

گاتھا

سورۃ زمر (۸۶)

نگارش :

سرکار سرھنک احمد بہارمست



۲

سرودهای اشوزرتشت

سرایندہ گاتھا (سرھنک بہارمست) این کار خویش را بہ پیشگاہ دوست ارجمند
 بزرگوار و رادمرد والا منش بگاہ شت دکترا اسندیار بگاہی پیشکش و نیاز مینماید
 (از اینکہ گذاردن این تکہ در شمارہ پیش فراموش شدہ است پوزش مینخواہیم پشتون) .

ھا (۴۸ - ۵)

ای راستی کجا بتو خواہم رسید کی مانند دانائی از دیدن منش پاک خشنود خواہم شد و از
 نگرستن بار گاہ اہودای بزرک و جلال مزدا، امیدوارم کہ با زبان خویش و بتوسط این آئین راہزنان بسوی
 آن کسیکہ بزرگتر از ہمہ است ہدایت کنم .

بتو کی همچو دانائی شوم من؟	کجا ای راستی خواہم رسم من؟
کنم جان و خرد را تار و چون بود	ز دیدار منش پاک خشنود
شکوهش از اہ-ورای بزرک است	زمزدا بار گاہی کہ سترک است
کہ بانبرو و تاب گفتہ خویش	بود من را بسی امید در پیش
کشانم رھزنان زشت اندیش	ہمی باداد و بسا آئین این کیش
شوم با شادی دل مرد رہبر	بسوی آن کسیکہ هست بر تر

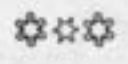
ھا (۴۸ - ۶)

ای مزدا بتا بوعده مطمئن خویش با و ہومن و اشا بسوی زرتشت آمدہ مرا پایبندی
 و پناہ استوار بخش تا از بر تو آن بتوانم بہ خصومت دشمنان غالب گشتہ پیروز شوم .

کہ دادی از ستایشها کہ دیدی	ہلا، مزدا، بارمنده نوییدی
ہمیدون با اشا، چون باروہم پشت	روان شو با و ہومن سوی زرتشت
ہمی در پایبندی استواری	پناہم باش اندر پایبندی
بچنک تیرہ شب، چون روز کردم	کہ تا بر دشمنان پیروز کردم

ھا (۴۸ - ۷)

ای راستی شکوہ منش پاک را از آن من ساز تو ای آرمیتی حاجت گشتاسب و
 مرا بر آ، ای مزدا و پادشاہ من چنان ساز کہ پیغمبر تو بتواند شوند گانی برای
 خود فراہم کند .



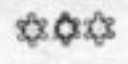
هلا، ای راستی، از آن من ساز
نیازم را بر آور آرمیتی
تو ای مزدا ویکتا باد شاهم
توانند آورد پیغمبر تو

تو باداش و شکوه و هومن، باز
همی گشتاسب را آن شاه گیتی
چنانم یاورى کن که فراهم
بهرت، بشونده از بر تو

ها (۲۸-۸)

تو ای بهتر از همه و بسا بهترین راستی هم اراده برای یل نامور فرشو
و خود من واز برای کسیکه اراده تو در آن باشد نیک تر چیز را که نعمت پاک منشی جاودانی
است از تو تنها دارم .

تو ای بهتر از همه و بسا بهترین راستی هم اراده برای یل نامور فرشو
و خود من واز برای کسیکه اراده تو در آن باشد نیک تر چیز را که نعمت پاک منشی جاودانی
است از تو تنها دارم .



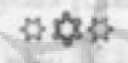
تو بهتر از همه ، بالا زهر جای
برای نامور ، فرشت دانای
از آنچه نیک تر در زندگانست
بکن ارزانی ، ای والا ز هر چیز

بهین تر راستی را یارو همراى
همی بهر من و هر که گنی رای
ز پاکى منش کان جاودانست
که باشد از تو این يك خواهشم نیز

ها (۲۸-۹)

از بی شکرانست بخشایش تو، ای اهورا مزدا وای راستی وای منش پاک همواره
کوشم که مورد غضب واقع نشوم سرود های ستایش خود را نیازت میکنم ای کسیکه آرزو های ما
تو بر آورده و امید بهشت ما بسوی تست .

از بی شکرانست بخشایش تو، ای اهورا مزدا وای راستی وای منش پاک همواره
کوشم که مورد غضب واقع نشوم سرود های ستایش خود را نیازت میکنم ای کسیکه آرزو های ما
تو بر آورده و امید بهشت ما بسوی تست .



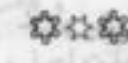
برای آنکه جای آرم سیاست
اهورا ، پاک مزدا ، ای وهومن
که هرگز سوی من بر تاب خشی
نیازت مینایم بسا نیایش
بتو که آرزوها ، آرمانها
بهشت امید ما سوی تو باشد

بسی بخشایش نیکی شناست
هماره ، راستی ، در کوشم من
نباشد ، بنکرد ، برگشته چشمی
ز خود سرود های پرستایش
بر آری بهر ما و هم روانها
که تاب دید ما کوی باشد

ها (۲۸-۱۰)

کسانی را که تو از برای درستی کردار و پاکى فکرشان سزاوار ناسی آرزوی
آنانرا بر آورده کامروا فرما چه بخوبی میدانم این نیایشها و سرود هائیکه تقدیم تو میشود بدر گاهت
بذ برفته اثر نیک خود را بروز میدهند .

کسانی را که تو از برای درستی کردار و پاکى فکرشان سزاوار ناسی آرزوی
آنانرا بر آورده کامروا فرما چه بخوبی میدانم این نیایشها و سرود هائیکه تقدیم تو میشود بدر گاهت
بذ برفته اثر نیک خود را بروز میدهند .



کسانیکه درست و راست کردار
بر آور آرزوشانرا و پیروز
چه میدانم که هر چه از نیایش
بذیری همچو سروادم ز بخشش

کسانیکه درست و راست کردار
بر آور آرزوشانرا و پیروز
چه میدانم که هر چه از نیایش
بذیری همچو سروادم ز بخشش

(۱) Sapata (Sapata) (۲) Anah (Anah) (۳) Anah (Anah) (۴) Anah (Anah) (۵) Anah (Anah) (۶) Anah (Anah) (۷) Anah (Anah) (۸) Anah (Anah) (۹) Anah (Anah) (۱۰) Anah (Anah)